

متناسب ساختن نظامهای آموزشی با نیازهای اشتغال

نوشته دکتر محمد آهنچی

مقدمه

بعد از هشت سال دفاع مقدس و نوید آرام بخش اختتام جنگ تحمیلی، انتظارات عمومی از تواناییهای دولت در جهت بازسازی کشور صدچندان شده است به طوری که این انتظارات و توقعات در حال حاضر بیشتر از آنچه در تمام طول تاریخ کشور ایران وجود داشته در آمده و دولت و ملت ایران را در یک آزمایش بزرگ تاریخی قرار داده است. تجربه جنگ تحمیلی و ضایعات و خسارتهای ناشی از آن در مقیاس بسیار وسیع از یک طرف و پیشرفتهای انجام شده در زمینه صنعت و تکنولوژی در سایر کشورهای جهان از طرف دیگر و مشاهده ناتوانیهای اغلب شرکتهای کارخانه هادر دوران دفاع مقدس در حمایت و پشتیبانی برنامه های جنگ و بسیج و دولت و جامعه جمعاً افکار عمومی کشور را متقاعد ساخته است که اگر باید در زمینه بازسازی و نوسازی کشور کاری سریع و صحیح صورت پذیرد، تنها دولت فعلی است که می تواند بخوبی از عهده این کار برآید. اعتقاد بر این اصل که هیچ کاری غیر ممکن نیست، هر نوع قصور و کوتاهی و ناکامی را که در فرآیند برآورد نیازهای اساسی در برنامه بازسازی وجود داشته باشد، باید ناشی از قصور و کوتاهی در خواستها دانست. بنابراین در این برهه از تاریخ حساس کشور، کارکنان دولت به طور اعم و نظام اداری دولت به طور اخص در یک آزمایش حیاتی و تاریخی قرار گرفته اند و نسلهای آینده و تاریخ ایران درباره کفایت و تواناییهای آنان در رفع مشکلات به قضاوت خواهد نشست.

بدیهی است این موقعیت حساس که کشور از هر سو با توطئه‌های عناصر مخرب خارجی و دشمنان داخلی مواجه است ایجاب می‌کند که هر ایرانی مسلمان و آزاده صرف‌نظر از هر شغل و مقامی که دارد نه تنها بر اساس توان و وظایفی که برایش پیش‌بینی شده است، بلکه بر اساس ایثار و فداکاری - که نمونه‌های بارز آن در جنگ تحمیلی از جوانان پرشور این مرز و بوم در طول هشت سال جنگ مشاهده گردید - آنچه در توان و اعماق وجود دارد، بیدریغ و صمیمانه در طبق اخلاص گذارد و به این مردم مهربان و رنج‌کشیده تاریخ و زمان برادرانه تسلیم کند. درست در رابطه با آگاهی از این وظیفه خطیر است که فرد فرد مردم را دعوت به تلاش و فداکاری می‌نماید.

در زمینه بازسازی و برنامه پنج ساله و عناصر تشکیل دهنده آن که مورد توجه مردم و دولت است، مطالب و موضوعهای متعدد و گسترده‌ای وجود دارد، از آن جمله است متناسب ساختن نظامهای آموزشی با نیازهای اشتغال. در این باره موضوع می‌تواند به صورت یکپارچه و با نگرش سیستمی و در کل نظام و جامعه مورد بررسی قرار گیرد و یا اینکه از بعد اصلاح و تغییرات اساسی در یک‌یک چند عنصر کلیدی شروع شود، ولی از آنجایی که استخدامهای دولت شدیداً تحت تأثیر جاذبه بخش خصوصی قرار می‌گیرد، بویژه اینکه اگر با رشد اقتصادی دوران بعد از جنگ توأم باشد، جاذبه بخش خصوصی را چند برابر می‌کند و طبعاً نارساییهایی در بخش دولتی که وظیفه اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی و بازسازی را بر عهده دارد، مشهود می‌شود.

از طرفی با توجه به اینکه دولت مسئولیت اشتغال را در سطح جامعه بر عهده دارد، طبعاً هر گونه اصلاح عمده و اساسی باید به صورت سیستمی و فراگیر و در سطح جامعه انجام شود، در غیر این صورت نظام دولتی را با یک وضعیت قبول خطر بسیار جدی روبرو خواهد کرد.

از طرف دیگر اگر اصلاح در چند عنصر کلیدی و حساس نیز منحصراً مورد توجه باشد، نهایتاً اجرای برنامه‌های توسعه منجر به تغییرات عمده همه جانبه در کل نظام خواهد بود، بنابراین در این بررسی فاکتورهای عمده و کلیدی که یکی از آنها می‌تواند تحت عنوان: متناسب ساختن نظامهای آموزشی کشور با نیازهای اشتغال باشد مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بدین ترتیب این مقاله در موضوع متناسب نمودن نظامهای آموزشی با برنامه‌های اشتغال مکانیزمهایی را مشخص خواهد کرد و آنها را مورد بررسی قرار خواهد داد. فکر تهیه و تنظیم چنین مکانیزمهایی از اینجا ناشی شده است که مسئولان آگاه

آموزشی کشور صریحاً در برنامه پنجساله عمرانی به این نکته اشاره کرده‌اند که در حال حاضر هیچ نوع فرآیند مطمئن برای انتقال و گردش اطلاعات مربوط به تخمین و برآورد نیاز به نیروی انسانی و هدایت آموزش در بستر نیازهای جامعه پیش‌بینی نشده و مکانیزم‌های مناسبی نیز جهت سنجش مستمر میزان و حدود تناسب و هماهنگی محصول آموزشها با مشاغل و فعالیتهای تولیدی و خدماتی وجود ندارد و غالباً تصمیم‌گیریها برای تنظیم و هدایت برنامه‌های آموزشی عمدتاً بر مبنای امکانات موجود آموزشی (نیروی انسانی فضا، تسهیلات موجود و...) گذاشته شده و نیاز کشور از نظر اشتغال مورد توجه قرار نگرفته است.

حال با توجه به مطالب بالا و اینکه هر برنامه فراگیر و در سطح کشور الزاماً باید با همکاری و مشارکت تمام دستگاههای اجرایی صورت پذیرد، طبعاً در این مقاله نه تنها به ارائه اصول و ضوابطی که می‌تواند در این نوع برنامه‌ریزیها مورد توجه قرار گیرد، اشاره شده است، بلکه مبادرت به ارائه الگو و مدلی نیز جهت بهره‌برداری کلیه دستگاهها در تنظیم برنامه‌های آموزش و اشتغال مبادرت گردیده است که امید است مورد استفاده قرار گیرد.

سیاست علمی و آموزشی کشور در ارتباط با برنامه‌های اشتغال و بازسازی
سیاست علمی و آموزشی کشور در رابطه با اشتغال که در این بررسی مورد مطالعه قرار خواهد گرفت عبارت است از برنامه‌ای جامع و کلان و تعیین ضوابط و اهداف و اصولی که بتوان به وسیله آن چارچوبی جهت تعیین کمیت و کیفیت علمی و ساختار آموزشی کشور برای توسعه، تغییر و تنظیم برنامه‌ریزی آموزش علوم در کلیه مؤسسات آموزشی کشور در جت متناسب ساختن فارغ‌التحصیلان مؤسسات آموزشی با برنامه‌های اشتغال و استفاده بهینه از کلیه منابع موجود کشور به منظور اجرای برنامه‌های بازسازی و تحقق هدفهای ملی و آرمانهای جامعه بکار گرفت.

در صورتی که سیاست علمی و آموزشی کشور به این صورت طراحی نشود، یعنی سیاست علمی و آموزشی و اشتغال به طور جامع و به صورت یکپارچه و در تنگاتنگ یکدیگر قرار نگیرد و حتی اگر بعضی از برنامه‌ها و فعالیتهای انجام شده از نظر علمی در سطح استاندارد و بالاتر از آن قرار گیرد، باز هم می‌توان ادعا کرد که چنین سیاستی باعث تلف شدن منابع ملی و عدم موفقیت هر نوع برنامه بازسازی خواهد شد.

از آنجایی که هدف اصلی از تعیین سیاست علمی و آموزشی کشور در رابطه با اشتغال آن است که علم و آموزش یعنی دانشگاه و دبیرستان را در جهت توسعه و تکامل کشور قرار داد. لذا در تدوین این سیاست ابتدا باید نیازهای برنامه توسعه و بازسازی و جاری کشور

در چارچوب برنامه‌های سیاسی، اقتصادی، تدافعی، فرهنگی و اجتماعی و تخصص‌های مورد لزوم در تدوین و اجرای این برنامه‌ها تعیین و مشخص شود تا بتوان بر اساس آن، سیاست‌های آموزشی و علمی را تنظیم نمود، در این صورت تدوین سیاست‌های علمی و آموزشی تنها به وضع سیاست و خط مشیها و اقدامات مربوط به تربیت و عرضه متخصص و کارشناس مربوط به نظام دولت خلاصه نمی‌شود، بلکه با تربیت و ارتقاء مهارت‌ها و تخصص‌های مورد لزوم در رشته‌های مختلف علوم و فنون و مهندسی و حرفه‌ای و نیز به محدوده کارشناسان و کاردانان و تکنسین‌های مربوط به امور تولیدی، توزیع، مدیریت خدمات، حرفه‌ای، فرهنگی و اجتماعی و در کل جامعه نیز تسری پیدا می‌کند.

با این برداشت این بخش از مقاله به مطالعه چگونگی نیروی انسانی و اهداف سیاست‌های علمی و آموزشی در رابطه با اشتغال اختصاص داده شده است که می‌تواند به عنوان ضابطه‌ای در تنظیم برنامه‌های کلان و استراتژیکی مورد استفاده قرار گیرد.

الف - نیروی انسانی و اشتغال

مؤثرترین و ارزنده‌ترین عامل در هر برنامه‌بازسازی و توسعه و تحول و تکامل جامعه، انسانها هستند. کیفیت و کمیت نیروی انسانی تأثیر زیادی روی استراتژیهای توسعه و بازسازی کشور دارد، از این رو در هر برنامه‌بازسازی، ضروری است که نیروی انسانی کشور دارای مهارت و دانش و بینش لازم در اداره مؤثر حرفه و تخصص خویش باشد و درست در این حالت است که نقش دانشگاهها و آموزش و پرورش و آموزش عالی و مرکز آموزش مدیریت دولتی و سایر مراکز آموزشی در تهیه، آمادگی و تجهیز نیروی انسانی مورد لزوم در بازسازی آشکار و معلوم می‌شود.

جوامع امروزی برای اداره امور جامعه نیاز مبرم به تعداد مشخصی نیروی انسانی با داشتن مهارت‌ها و دانش‌های مخصوص در سطوح مختلف دارند که در خدمت بخشهای دولتی، خصوصی، صنعتی، خدماتی، پزشکی، کشاورزی و نظایر آن قرار گیرند، به همین جهت طراحی هر نوع نظامی برای تربیت و آمادگی و تجهیز افراد کشور برای باوسازی الزاماً باید از سطح دبیرستان تا دانشگاه دنبال شود و تمام جامعه را در بر گیرد.

به این طریق امکانات و محدودیتهای آموزشی را در ارتباط با برنامه‌های اشتغال و تجهیز و آمادگی نیروی انسانی از چند جهت می‌توان مورد مطالعه و توجه قرار داد:

۱ - نظام سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ساختار اداری جامعه است که شکل و

محتوای نظام آموزشی کشور را مشخص می‌کند.

۲ - تعداد مشاغل موجود در بخش عمومی و خصوصی و طرحهای بازسازی و توسعه است که کمیت و کیفیت و نسبتهای سطح آموزش را در دوره دبیرستان و دانشگاه تعیین و طراحی می کند.

۳ - تقویت بنیه و تفکر و تخیل جامعه است که نظام الزامی آموزش را در جامعه ترسیم می نماید. بدین جهت نظام آموزشی کشور باید یک پیوند ناگسستنی و سیستماتیک و مستمر با مراجع و مراکز سیاستگذاری و برنامه ریزیهای فرهنگی، سیاسی اجتماعی و اقتصادی از یک طرف و با دستگاههای دولتی، صنایع کشور، اتحادیه ها و اصناف و بخش خصوصی از طرف دیگر برقرار نماید.

ب - اهداف و خط مشیهای سیاستهای علمی و آموزشی در ارتباط با اشتغال تماس و ارتباط متقابل بین نهادهای آموزشی و سایر بخشهای دولتی و خصوصی - که قبلاً به آن اشاره شد - جهت تحقق و اهداف زیر می باشد:

۱ - نظام آموزشی کشور به عنوان تنها نهادی که وظیفه اصلی تربیت نیروی انسانی مورد نیاز جامعه (بخش دولتی و بخش خصوصی) را بر عهده دارد، از یک سو باید با آگاهی کامل از نیازهای اشتغال جامعه از نظر کمی و کیفی، در رفع آنها از طریق برنامه ریزیهای مختلف بکوشد و از سوی دیگر سایر نهادها و دستگاههای حکومتی باید با توجه به نقش حساس و پراهمیت آموزش در برنامه بازسازی کشور بویژه «برنامه های اشتغال» نظام آموزشی را چه از طریق اعلام نیازمندیها و چه از نظر کمی و چه از بعد کیفی و تخصصهای گوناگون یاری دهد و با حداکثر توان خویش تدوین و تهیه و اجرای برنامه های آموزشی کشور را تسهیل و تسریع کند.

۲ - هرگونه برنامه تربیت نیروی انسانی در مقاطع مختلف تحصیلی و در رشته ها و شاخه های حرفه ای و فنی و عمومی، الزاماً باید متناسب با برنامه های اشتغال و بازسازی کشور هماهنگی داشته و بتواند آن را مبنای هر حرکت و تغییر و تحول در نظام آموزشی کشور قرار دهد.

۳ - تضمین حسن اجرای برنامه های بازسازی کشور و بالا رفتن کارایی نظام آموزشی در جهت رفع نیازهای اشتغال ایجاب می کند که یک ارتباط متقابل و مستمر و سازمان یافته ای بین نهادهای آموزشی کشور و سطوح بالای تصمیم گیری جامعه و دستگاه های دولتی و واحدهای برنامه ریزی و سازمان دهی کشور برقرار گردد.

۴ - طبیعی است که بعد از پیروزی انقلاب و بعد از هشت سال دفاع مقدس می باید

دست به اصلاحاتی جامع و فراگیر زد که از آن جمله همین تنظیم و تعدیل برنامه‌های دبیرستانی و دانشگاهی از نظر کمی و کیفی هماهنگ با نیازهای کشور در زمان حال و آینده است. در چنین وضعیتی حرکت طوری است که نتایج حاصل از این تغییرات در دیگر بخشهای نظام آموزشی نظیر آموزشهای دبیرستانی حرفه‌ای، فنی و حین خدمت نیز اثر می‌گذارد، بنابراین در هر حالت باید با به کارگیری یک روش سیستماتیک و مستمر و در نظر داشتن معیارهای اصلاحی - که در این بررسی معرفی خواهد شد - هرگونه تغییرات و اصلاحات را در نظام آموزشی در سایر بخشها نیز برآورد و بحساب آورد.

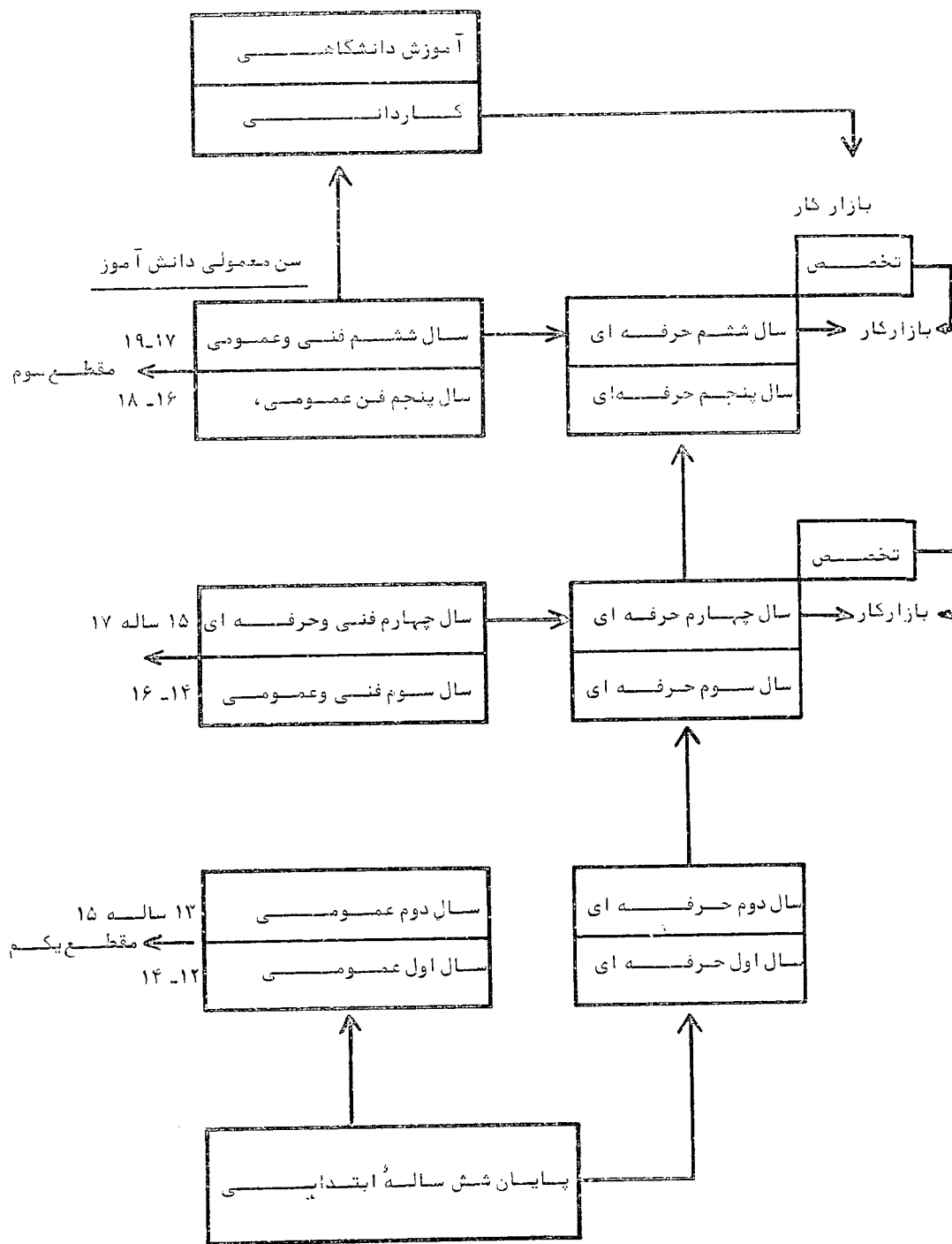
۵ - تخصیص امکانات، فضا، معلم و استاد و بودجه و اعتبارات برای هر رشته تحصیلی در تمام سطوح باید بر اساس برنامه‌های اشتغال و برنامه‌های توسعه و بازسازی کشور صورت پذیرد تا از هجوم تقاضا برای تحصیل در یک رشته خاص و عدم تقاضا در رشته دیگر جلوگیری شود و این مهم در صورتی عملی خواهد بود که یک پیوند مستمر و هماهنگ بین سطوح و انواع آموزشها از یک سو و نیازها و درخواستهای جامعه از سوی دیگر برقرار شود و پذیرش دانشجو برای رشته‌های تحصیلی دانشگاهی بر اساس رشته‌های آموزش متوسطه و تعداد فارغ‌التحصیلان و متناسب با نیازهای اشتغال تنظیم گردد.

۶ - نیازهای جامعه و برنامه‌های اشتغال ایجاب می‌کند که گرایش آموزش در مقاطع مختلف آموزشی بیشتر به صورت کاربردی باشد تا صرفاً برنامه‌های آکادمیکی و علمی محض و این در صورتی عملی خواهد بود که یک ارتباط مستمر و منطقی بین دبیرستانها، دانشگاهها و دستگاههای اجرایی و صنعت جهت تشخیص و شناخت نیازهای واقعی جامعه برقرار گردد.

۷ - از طرفی نیازهای اشتغال جامعه از نظر ماهیت و توانایی و دانش و مهارت، کسب درجات متفاوتی از تحصیلات (بعد از تحصیل اجباری) را ایجاب می‌کند، بدین ترتیب که بعضی مشاغل که تعداد آن نیز بسیار کثیر و متعدد است، نیاز به تحصیلات دانشگاهی ندارد و به راحتی می‌توان از فارغ‌التحصیلان دوره‌های فنی و حرفه‌ای کشور در سطوح مختلف راهنمایی و دبیرستانی و مقاطع دو یا چهار یا شش ساله متوسطه بهره‌گیری نمود. (راهنمای شماره ۱)

به هر صورت اجرای این سیاستها به صورت گسترده ایجاب می‌کند که اولاً دستگاههای مسئول، تغییرات بنیادی و اساسی در ساختار آموزشی فعلی بویژه در ترکیب و توزیع و مکانیسم روند تحصیلی در رشته‌های مختلف تحصیلی بوجود آورند و میزان این نوع دانش‌آموزانی را که می‌توانند در حین تحصیل در دبیرستان و در مقاطع مختلف تحصیلی

تجهیز و تجهیز آموزش در رابطه با اشتغال



به دلایل گوناگون وارد بازار کار شوند از حدود ۱۳ درصد فعلی با یک برنامه‌ریزی دقیق به سی الی چهل درصد که اکنون در اکثر کشورها به عنوان الگو پذیرفته شده است، افزایش دهند. در ثانی، همان طور که گفته شد اجرای این سیاست کمک می‌کند که از تعداد دانشجویان پشت کنکور که در حال حاضر حجم بسیار وسیعی از جوانان مملکت را زیر پوشش دارد - به میزان قابل توجهی کاسته شود ضمن اینکه برنامه‌های بازسازی و نیازهای اشتغال کشور نیز به هر دسته از دانش‌آموختگان تا حد مشخصی بیشتر نیاز ندارد.

گسترش و توزیع دانش‌آموزان بر اساس برنامه‌های فعلی که در ارتباط با اشتغال نیست مشکل دیگری نیز، که اکثر کارشناسان فعلی نیز به آن اعتقاد دارند، در بر دارد. آن، گسترش بوروکراسی و سیل فزاینده فارغ‌التحصیلان به خدمات دفتری و اداری است. گرچه آموزش و پرورش برای مواجه شدن با این مشکل از سیاستهای گوناگونی نظیر طرح کاد بهره‌برداری نموده است، ولی از آنجایی که این برنامه‌ها نیز در ارتباط و تطابق با برنامه‌های اشتغال نبوده احتمالاً موفقیت مورد انتظار را در بر نداشته است.

۸ - به منظور بالا بردن کیفیت آموزش که لازمه هر تحول و بازسازی سالم است، ضروری است که کلیه اجزاء و عناصر نظام آموزشی شامل معلم، استاد، فضای آموزشی و پژوهشی، دانش‌آموز، دانشجو، مدرسه، دانشگاه، برنامه و محتوی دروس، منابع، کتاب، نظام اداری مؤسسات آموزشی، بودجه، اعتبارات، سازمان و مدیریت و نظایر آن به طور مستمر مورد ارزیابی قرار گیرد و در صورت لزوم در عناصر و اجزاء آن اصلاحات لازم صورت پذیرد و این مهم در صورتی میسر است که یک نظام نظارت و ارزشیابی توانای مرکزی مستقل از مؤسسات آموزشی به منظور نظارت در کیفیت آموزشی در تمام سطوح و مقاطع تحصیلی طراحی و اجرا گردد.

۹ - در هر برنامه‌ریزی آموزشی و در تمام سطوح به منظور بالا بردن کیفیت آموزش باید تواناییها، استعدادها، و علاقه دانشجویان نیز مورد توجه مخصوص قرار گیرد و این امر در صورتی عملی است که هرگونه تغییر در شاخه و رشته تحصیلی و در هر مقطع به صلاحدید گروههای روانشناسی، پزشکی - اجتماعی و اولیا به ساده‌ترین وجه و با صرف کمترین هزینه و وقت و با توجه به برنامه‌های اشتغال میسر باشد.

۱۰ - در نظام آموزشی باید برنامه‌های تحصیلی دختران و بانوان به گونه‌ای بر اساس استعدادها، علایق و تلاش آنها و برای تصدی مشاغلی که جامعه به آن نیازمند است یا زنان برای اشتغال آن از صلاحیت بالاتری برخوردار هستند و یا با وظایف آنان در خانواده هماهنگی دارد، هدایت شوند و این امر موقعی عملی است که دستگاهها و نهادهایی که

برنامه‌های اشتغال و توسعه نیروی انسانی را تدارک می‌بینند، جایگاه بانوان را از نظر کمی و کیفی و تخصص دقیقاً تعیین و مشخص نمایند.

۱۱- در بسیاری از کشورهای در حال توسعه گرایش بسیار شدیدی در زمینه بالا بردن کارایی دستگاههای دولتی از طریق افزودن وزارتخانه‌ها، نهادها، سازمانها و ایجاد مشاغل مختلف دولتی به چشم می‌خورد که این امر به نوبه خود سبب کمبود پرسنل شایسته و مغشوش کردن برنامه‌های دانشگاهی و بلعیدن اعتبارات و بودجه می‌شود. حال آنکه اغلب کشورها برای مقابله با این وضعیت سیاست کوچک کردن بوروکراسی را از طریق حذف اکثر پستهای سازمانی در نظر دارند در حالی که واقعاً این یک سیاست گمراه کننده است زیرا حذف پستهای سازمانی که قاعدتاً بر اساس طراحی سازمان و تجزیه و تحلیل مشاغل و نظایر اینها بوجود آمده است. دستگاهها را با مشکلات بیشتری مواجه خواهد کرد، در چنین وضعی، سیاستی که پیشنهاد می‌شود، این است که دولت با واگذاری کارهای کم اهمیت تر به بخش خصوصی و پذیرش کارهای اساسی تر بتواند وسعت بوروکراسی را کاهش دهد.

به طوری که در راهنمای ۱ که یک مدل فرضی و راهنماست مطرح گردیده است، هر دانش آموز در مقطع دوم و مقطع سوم تحصیلات متوسطه و یا مقطع کاردانی و یا بالاتر می‌تواند با کسب درجاتی از دانش و مهارت و داشتن یک حرفه مشخص وارد بازار کار گردد، یا می‌تواند برای ادامه تحصیل وارد مدارس عالی و مقاطع بالاتر تحصیلی شود. منظور از ارائه راهنمای بالا در واقع ارائه یک مکانیزم علمی در جهت متناسب کردن تعداد دانش آموزان و امکانات آموزشی در مقاطع و رشته‌های مختلف تحصیلی در ارتباط با اشتغال می‌باشد یا به زبان دیگر تعادل و هماهنگی بین اشتغال و تحصیلات.

چنانچه این راهنما به صورت عملی و با اطلاعات واقعی تنظیم شود، می‌تواند به عنوان الگویی مناسب مورد بهره برداری دوگانه، هم به منظور برنامه ریزی آموزشی و هم به منظور برنامه ریزیهای اشتغال در دوران توسعه اقتصادی واقع شود.

از طرفی تعادل و تناسب بین اشتغال و تحصیلات موقعی امکان پذیر است که اولاً یک ارتباط مستمر و سیستماتیک بین سازمانهای آموزشی و پژوهشی کشور با نمایندگان اصناف، اتحادیه‌های صنفی، اطاق تجارت و بازرگانی و سایر مسئولین مثل وزارت کار و امور اجتماعی، سازمان برنامه و بودجه، سازمان امور اداری و استخدامی و مرکز آمار ایران و سایرین جهت دریافت اطلاعات دقیق در زمینه مشاغل موجود کشور و یا مشاغلی که در آینده برابر طرحهای توسعه و برنامه پنجساله بوجود خواهد آمد برقرار شود و ثانیاً یک سیستم اطلاع رسانی مکانیزه مرکزی به صورت شبکه‌ای و در ارتباط با کلیه مراکز آموزشی

و اشتغال و کسانی که به طریقی ذینفع می‌باشند، وجود داشته باشد یا بوجود آید و بالاخره امر هماهنگی و تنظیم برنامه‌های متناسب کردن دوره‌های تحصیلی با اشتغال از سطح دبیرستان آغاز شده و تا عالی‌ترین مراحل تحصیلی ادامه داشته باشد - طبعاً در این جهت وزارتخانه‌های آموزش و پرورش و آموزش عالی نقش اصلی و حساس را بر عهده دارند. از مزایای عمده این سیاست آن است که توزیع کمی و کیفی دانش‌آموزان در رشته‌های مختلف تحصیلی در سطح دبیرستان و دانشگاه با توجه به برنامه‌های اشتغال صورت می‌پذیرد و این امر به نوبه خود از تورم دانش‌آموزان در پشت کنکور و هدر رفتن عمر آنان به شدت می‌کاهد.

از طرفی چنانچه برنامه‌های توزیع دانش‌آموزان در رشته‌های مختلف تحصیلی بر اساس نیازمندیهای اشتغال و استعداد دانش‌آموزان انجام پذیرد، گرایش به پشت میز نشینی را که در حال حاضر بسیار چشمگیر و زیانبار است کاهش خواهد داد.

۱۲ - از آنجایی که بالا بردن کیفیت و کمیت آموزشی متناسب با برنامه‌های اشتغال ایجاب می‌کند که دانشجویان مدت زمان بیشتری را صرف تحصیل نمایند لذا هر نوع طرح‌ریزی آموزشی باید به صورت دوره‌های میان مدت (پنج‌ساله) و بلند مدت (پانزده ساله) تنظیم گردد.

۱۳ - در حال حاضر یک ارزیابی سریع از تواناییهای بالقوه و بالفعل آموزشی و علمی کشور در رابطه با برنامه‌های اشتغال در زمینه‌های مختلف علوم از طرفی و یک ارزیابی سریع از مشخصات کمی و کیفی مشاغل موجود کشور اعم از بخش دولتی و خصوصی توسط دستگاههای ذیربط از طرف دیگر جهت کشف نیازمندیها و تنگناها پیشنهاد می‌شود.

۱۴ - نظر بر اینکه بخش بزرگی از جوانان در حال تحصیل به علل گوناگون قبل از اتمام دبیرستان و یا بعد از آن وارد بازار کار می‌شوند و به مشاغل مختلفی اشتغال پیدا می‌کنند، باید از طرف مسئولان ذیربط تعداد، مشخصات و کیفیت این نوع مشاغل همراه با شرایط فنی و حرفه‌ای احراز آنها تعیین شود و به منظور بالا بردن کیفیت امور در تمام سطوح و طبقات جامعه مکانیزمی بوجود آید که این افراد پس از گذراندن دوره عمومی و الزامی که برابر قانون اساسی مطرح شده و بعد از گذراندن یک دوره فنی و حرفه‌ای چه به صورت کوتاه مدت و چه به صورت بلندمدت و چه به صورت رسمی و یا غیررسمی اجازه کار در بخش عمومی یا خصوصی تحصیل کنند.

بدیهی است که در این مورد دستگاههای ذیربط باید کلاسهای فنی و حرفه‌ای را از

چند حرفه محدود به تمام مشاغل موجود در جامعه تسری دهند.

پ - تقسیم‌بندی رشته‌های دانشگاهی در برنامه‌ریزی‌های اشتغال یکی از متداولترین راههایی که بتوان یک هماهنگی و ارتباط منطقی بین نیازهای اشتغال جامعه و دوره‌ها و رشته‌های دانشگاهی برقرار کرد، از طریق دسته‌بندی و طبقه‌بندی علوم براساس کاربرد می‌باشد.

در این زمینه تقسیم‌بندیهای متعددی تاکنون به شرح زیر صورت گرفته است:^۱
۱ - تقسیم‌بندی علوم که توسط اتحادیه بین‌المللی اسناد^۱ انجام گردیده است. این فدراسیون رشته‌های علمی را به ده بخش شامل کتابداری، فلسفه، الهیات، حقوق، علوم اجتماعی، زبان‌شناسی، علوم طبیعی و ریاضیات، علوم عملی (پزشکی تکنولوژی و کشاورزی)، هنر و تفریح و ورزش، ادبیات، جغرافیا و تاریخ و بیوگرافی تقسیم کرده است.
۲ - مدل یونسکو^۲ - این مدل علوم را به پنج رشته تقسیم کرده است شامل علوم پایه و طبیعی (ریاضیات، هیئت، فیزیک، ژئوفیزیک، زمین‌شناسی، شیمی، بیوشیمی زیست‌شناسی، فیزیولوژی، گیاه‌شناسی، حشره‌شناسی، هواشناسی باکتریولوژی و...)، علوم مهندسی و تکنولوژی، علوم پزشکی (پزشکی، دندانپزشکی، علوم دارویی، بهداشت)، علوم کشاورزی (زراعت، باغبانی، صنایع شیر، دامپزشکی، جنگلداری، شیلات)، علوم اجتماعی (اموراداری، بانکداری، تجارت، علوم سیاسی و دیپلماسی، قوم‌شناسی، جغرافیا، روانشناسی، اقتصاد، جامعه‌شناسی، آمار، مدیریت) تقسیم نموده است.

۳ - مدل توصیه شده از طرف OECD^۳ این مدل بسیار کلی است و برای کشورهای صنعتی و بسیار پیشرفته مناسب‌تر بنظر می‌رسد و چندان قابل استفاده در جهت رده‌بندی علوم به‌منظور اهداف اشتغال در ایران نیست.

۴ - تقسیم‌بندی شورای پژوهشهای علمی کشور.

تقسیم‌بندی دیگری به‌وسیله شورای پژوهشهای علمی کشور صورت گرفته که شامل شش

1 - Fedration international de Documentation

2 - Unesco - Paris - 1969.

۳ - بدیهی است که در قرون قبل تقسیم‌بندیهای دیگری در رابطه با علوم به‌وسیله فلاسفه اسلامی، یونانی و ایرانی صورت گرفته است.

۴ - OECD - Proposed standard practice - ANNEX IIa, OP, cit

در پیوست یک فهرست عناوین اصلی این رشته‌ها و زیرمجموعه آن ارائه شده است:

بخش به شرح زیر می باشد:

۱ - علوم بنیادی و پایه.

۲ - علوم پزشکی.

۳ - علوم کشاورزی.

۴ - علوم انسانی و اجتماعی.

۵ - علوم فنی و مهندسی.

۶ - هنر و ادبیات.

با بررسی و مطالعه‌ای که در زمینه انواع تقسیم‌بندیها در رابطه با اشتغال و نظام حکومتی صورت گرفت، تقسیم‌بندی نوع چهارم یعنی تقسیم‌بندی علوم توسط شورای پژوهشهای علمی برای این بررسی مناسب‌تر تشخیص داده شد. زیرا ضمن اینکه به سهولت می‌توان مجموع رشته‌های دانشگاهی موجود و مشاغل جامعه اعم از بخش دولتی و بخش خصوصی را در آن گنجانید. ضمناً در نظام اداری دولت دستگاههای مشمول جهت تعیین استراتژی و برنامه‌ریزی هر یک از رشته‌ها در دسته‌بندی مورد نظر پیش‌بینی شده مثلاً وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی به منظور تعیین استراتژی خاص و برنامه‌ریزی ردیف از طبقه‌بندی بالا در جهت هماهنگ کردن رشته‌ها و دوره‌های دانشگاهی هم از نظر کمیت و هم از نظر کیفیت در ارتباط با برنامه‌های اشتغال و یا وزارت کشاورزی در زمینه تعیین استراتژی و برنامه‌ریزی کشاورزی و نظایر آن.

نتیجه

آنچه از تقسیم‌بندی علوم به ترتیب بالا حاصل می‌شود و آنچه در صفحه‌های بعد در رابطه با مدل‌های برنامه‌ریزی اشتغال در یک مطالعه تطبیقی ارائه خواهد شد به نیت این است که زمینه مناسبی جهت ارائه الگو و مکانیزم مناسبی به منظور برنامه‌ریزی آموزشی و علمی در ارتباط با برنامه‌های اشتغال طراحی شود.

ت - بررسی تطبیقی

این بررسی به منظور ارائه روشهای متداول در برنامه‌ریزی نیروی انسانی و اشتغال در ارتباط با رشته‌های دانشگاهی و آموزشی تهیه شده است و منظور آن است که زمینه فکری مناسبی جهت دنبال کردن موضوع و تدوین مکانیزم تهیه برنامه‌های متناسب دانشگاهی با اشتغال فراهم شود. در زیر به ارائه روشهای متداول مبادرت می‌شود:

۱ - کشورهای دارای آموزش عالی آزاد

در این کشورها که تقریباً اداره امور آموزش عالی در اختیار بخش خصوصی است، انتخاب رشته‌ها و گزینش تعداد دانشجوی و حتی برنامه‌های آموزشی به صورت مستقل و آزاد انجام می‌پذیرد، بدین ترتیب که هیئت مدیره و یا هیئت امنای دانشگاه با بررسیها و اطلاعاتی که رسماً در زمینه بازار کار از طریق تماس با سازمانهای بخش خصوصی و صنعت، بسدست می‌آورد و با آگاهی از آخرین دست‌آوردهای علوم و تکنولوژی و آشنایی با برنامه سایر دانشگاهها و توجه به اهداف توسعه کشور، استراتژی لازم را جهت توسعه رشته‌های دانشگاهی بر اساس منابع و امکانات موجود تنظیم می‌کند و جهت تصویب به هیئت امنای ارائه می‌دهد. هیئت امنای پس از استماع گزارش ریاست دانشگاه و دلیل توسعه و تبدیل و کاهش یا تغییر دانشکده‌ها و تعداد دانشجویان قابل پذیرش و چگونگی تخصیص منابع، تعداد دوره‌ها و دانشجویان را برای هر دانشکده در قالب طرحهای توسعه دانشگاه و بودجه مربوط تصویب می‌کند و به موقع اجرا درمی‌آورد.

بدیهی است با توجه به تخصص و مهارت بالای بعضی از دانشکده‌ها در ارائه محتوی دروس در بعضی رشته‌ها با کیفیت عالی بویژه در امور کاربردی، و در طول سالیان دراز، به علت معرفت دانشکده یا دانشگاه در آن رشته و جذابیت بالای آن، کمتر دستخوش تغییر و تبدیل می‌شود. در این کشورها بجز بعضی از کالجها مثل کالج شهر (City College) و یا کالج استان (State College) که به وسیله شهرداری و استانداری اداره می‌شود و تقریباً نیمه دولتی است، بقیه دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی بویژه در سطوح بالا به صورت خصوصی اداره می‌شوند و در برنامه‌های اشتغال در نظام دولت هیچگونه نقشی ندارند. اما هم دستگاههای دولتی و هم بخش خصوصی با برقراری تماس مستقیم با دانشجویان از طریق نامه یا مصاحبه حضوری آنها را به کار دعوت می‌کنند و اغلب از سالها قبل آنان را به صورت بورسیه در می‌آورند و پس از فارغ‌التحصیلی به خدمت می‌گیرند.

در این کشورها به علت پیشرفت و توسعه تکنولوژی و ایجاد پستهای جدید، آموزش حین خدمت و آماده کردن افراد برای احراز مشاغل جدید از اهمیت خاصی برخوردار است و این امر بر راحتی در دستگاهها صورت می‌گیرد و مراکز و مؤسسات آموزش مدیریت دولتی مسئول برنامه‌ریزی و اجرای آن می‌باشند.

۲ - کشورهای دارای آموزش عالی و دولتی و برنامه‌ریزی شده

اکثر کشورهای اروپای شرقی دارای آموزش عالی به صورت ارگانهای دولتی

می‌باشند. در این دانشگاهها دانشجویانی که در حال تحصیل هستند و برای تحصیل انتخاب می‌شوند دقیقاً محل خدمت آنان در آینده روشن و مشخص است و خود می‌دانند که بعد از اتمام تحصیلات در کدام ایالت و در کدام سازمان و در کدام شغل باید خدمت کنند. با این ترتیب یک ارتباط تنگاتنگ و برنامه‌ریزی شده بین برنامه‌های اشتغال و رشته‌ها و دوره‌های دانشگاهی وجود دارد. نحوه کار به این ترتیب است که با استفاده از یک شبکه اطلاع‌رسانی بسیار دقیق، گسترده، فراگیر و کامپیوتر تر ایزه شده، مجموع پستهایی که وجود دارد یا باید بر اساس طرحهای توسعه در سالهای بعد بوجود آید، تعیین شده و هر دانشگاه یا مؤسسه آموزشی عالی بر اساس کیفیت ذاتی خویش مأموریت دارد، امر تعلیم و تربیت دانشجوی خاصی که در طول دوران دبیرستان از هر جهت مورد ارزیابی قرار گرفته و استعداد و آمادگی خویش را برای طی دوره ویژه‌ای باثبات رسانیده است، بر عهده بگیرد به نحوی که درست زمانی که یک پروژه یا طرح به مرحله عملیاتی شدن می‌رسد، دانشجوی تعیین شده نیز همزمان فارغ‌التحصیل و به آن پست گمارده شود. حتی در بعضی موارد دانشجوی در خلال تحصیل بر اساس برنامه‌های تنظیم شده بکارورزی در پست آینده می‌پردازد. بدیهی است که این مدل تنها زمانی قابل استفاده است که یک سیستم اطلاعاتی مکانیزه و مدرن و مجهز و برنامه‌ریزی شده در اختیار باشد و یک سیستم مرکزی نیز تمام امر برنامه‌ریزی جهت اشتغال و انتخاب رشته دانشگاهی و سایر موارد آن را بر عهده بگیرد. به هر صورت این مدل نیز مثل مدل قبل دارای معایبی است که کوچکترین آن ماشینی شدن افراد و نظارت شدید دولت بر امر دانشگاهها و کنترل پستهای دولتی و غیردولتی می‌باشد.

۳ - سایر کشورها

کشورهای جهان سوم غالباً دارای دانشگاههایی با ترکیب متفاوت از آنچه در سایر کشورها وجود دارد و شرح آن گذشت، می‌باشند. در این کشورها قسمتی از دانشگاهها تا بالاترین حد دولتی و بعضی تا بالاترین درجه به صورت خصوصی اداره می‌شوند با این تفاوت که دانشگاههای غیردولتی نیز صددرصد در اداره امور خویش آزاد نیستند و در زمینه انتخاب رشته‌ها و دوره‌ها و گزینش دانشجو و اجازه تأسیس و فعالیت برابر خط مشی کلی و ضوابط دولت که از طریق وزارت آموزش و پرورش تدوین و ابلاغ می‌شود، عمل می‌کنند. از آنجایی که در اکثر این کشورها ضوابط آماری و استفاده از کامپیوتر به صورت گسترده و وسیع هنوز کاربرد پیدا نکرده است، تشخیص و تعیین پستهای خالی و دولتی و غیردولتی در زمان حال و آینده بسیار مشکل است و بیشتر با حدس و گمان محاسبه می‌شود،

به‌همین دلیل هیچگونه رابطه منطقی و علمی بین برنامه‌های اشتغال و منابع انسانی و برنامه‌های آموزشی چه در سطح دبیرستان و چه در سطح دانشگاهها بوجود نیامده است و اکثر فارغ‌التحصیلان دانشگاهها چه از نظر کمی و چه از نظر کیفی تناسب صحیحی با برنامه‌های اشتغال ندارند.

از طرف اتحادیه‌ها و سندیکاها کارگری که در بلوک غرب به صورت سنتی در موضوعهای سیاسی دخالتی ندارند و به‌طور مستمر در حال تجسس و شناخت خصوصیات کمی و کیفی مشاغل حوزه فعالیت خود و انتقال آن به دانشگاهها می‌باشند، در این کشورها اکثر اتحادیه‌ها به‌مسایلی خارج از قلمرو فعالیت خویش کشانیده می‌شوند و از وظایف اصلی یعنی برقراری ارتباط بین دانشگاه و جامعه باز می‌مانند. و اصولاً اغلب کشورهای جهان سوم به علت فقدان چنین سازمانهایی، بهره‌برداری از خدمات گسترده این چنین اتحادیه‌ها در ارتباط با آموزش و اشتغال در حد صفر است و در نتیجه چون اتحادیه‌های صنفی هنوز به مرحله‌ای از خودکفایی و سازماندهی نرسیده‌اند که بتوانند یک چنین همکاری را با دولت بویژه با وزارت آموزش و پرورش و کار و سایر بخشهای برنامه‌ریزی کشور برقرار نمایند، لذا تخصیص منابع انسانی و تعیین حد و حدود دانشگاهها و رشته‌های دانشگاهی هیچگونه ارتباطی با برنامه‌های اشتغال ندارند.

بر اساس نوشته‌های یونسکو اخیراً در این کشورها نیز اقداماتی جهت تشکیل مراکز اطلاعات و آمار و بانکهای اطلاعاتی برای استفاده در طرح‌ریزیها و برنامه‌ریزیها من جمله برنامه اشتغال و تعیین رشته‌های دانشگاهی شکل گرفته و در جریان می‌باشد.

نتیجه

آنچه از این بررسی می‌توان آموخت این است که اولاً چنانچه دولتها تمایل پیدا کنند که برنامه‌های استراتژیکی نیروی انسانی را عهده‌دار شوند، اجباراً در برنامه‌ریزی آموزش منابع انسانی در رابطه با اشتغال نمی‌توان تنها به بخش عمومی (دولت) اکتفا کرد و بلکه ضرورت امر و مکانیسم عمل ایجاب می‌کند که نیازهای جامعه و گرایشهای مختلف آن در خطوط اشتغال و آموزش نیز مورد توجه قرار گیرد.

ثانیاً هر یک از دستگاهها باید در زمینه ماموریت و وظایف خویش این برنامه را در تمام جامعه اعم از بخش عمومی یا بخش خصوصی مورد توجه قرار دهند و نتیجه فعالیتهای خویش را در این زمینه در اختیار واحدهای اصلی برنامه‌ریزی کشور قرار دهند.

ثالثاً وجود یک بانک مرکزی اطلاعات به صورت مکانیزه و قابل دسترس توسط تمام

دستگاهها و سازمانها جهت استفاده و بهره برداری در طرح ریزیهای نیروی انسانی بوجود آید و یا اگر سیستمی هم اکنون در حال فعالیت است، تکمیل و گسترش پیدا کند و بالاخره با توجه به تقسیم بندی علوم در ارتباط با برنامه های اشتغال می توان نتیجه گیری کرد که در نظام جمهوری اسلامی ایران دستگاههای مختلفی وجود دارند که بر اکتی می توانند سیاست علمی و آموزشی کشور را در زمینه اشتغال بموقع اجرا در آورند مثلاً وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی در زمینه علوم پزشکی، وزارت کشاورزی و جهاد سازندگی در زمینه علوم کشاورزی، وزارت کار و امور اجتماعی در زمینه اصناف، وزارت فرهنگ آموزش عالی در زمینه علوم پایه، وزارت صنایع سنگین و صنایع و وزارت معادن در زمینه علوم فنی و مهندسی و وزارت ارشاد اسلامی در زمینه هنر و ادبیات و سایر وزارتخانه ها در زمینه امور مربوط به خویش قادرند که دستگاههای برنامه ریزی و سازماندهی کشور را یاری دهند. از طرفی تغییر در ساختار نظام آموزش و پرورش به منظور دسترسی به سیاستهای متناسب کردن آموزش با نظامهای اشتغال نیز از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است و بالاخره بالا بردن توان اصناف و اتحادیه های امور صنفی و اطلاق بازرگانی جهت همکاری مستمر با نظام دولتی امری ضروری است.

مکانیزم انجام دادن عملیات در متناسب کردن دوره های آموزشی و اشتغال

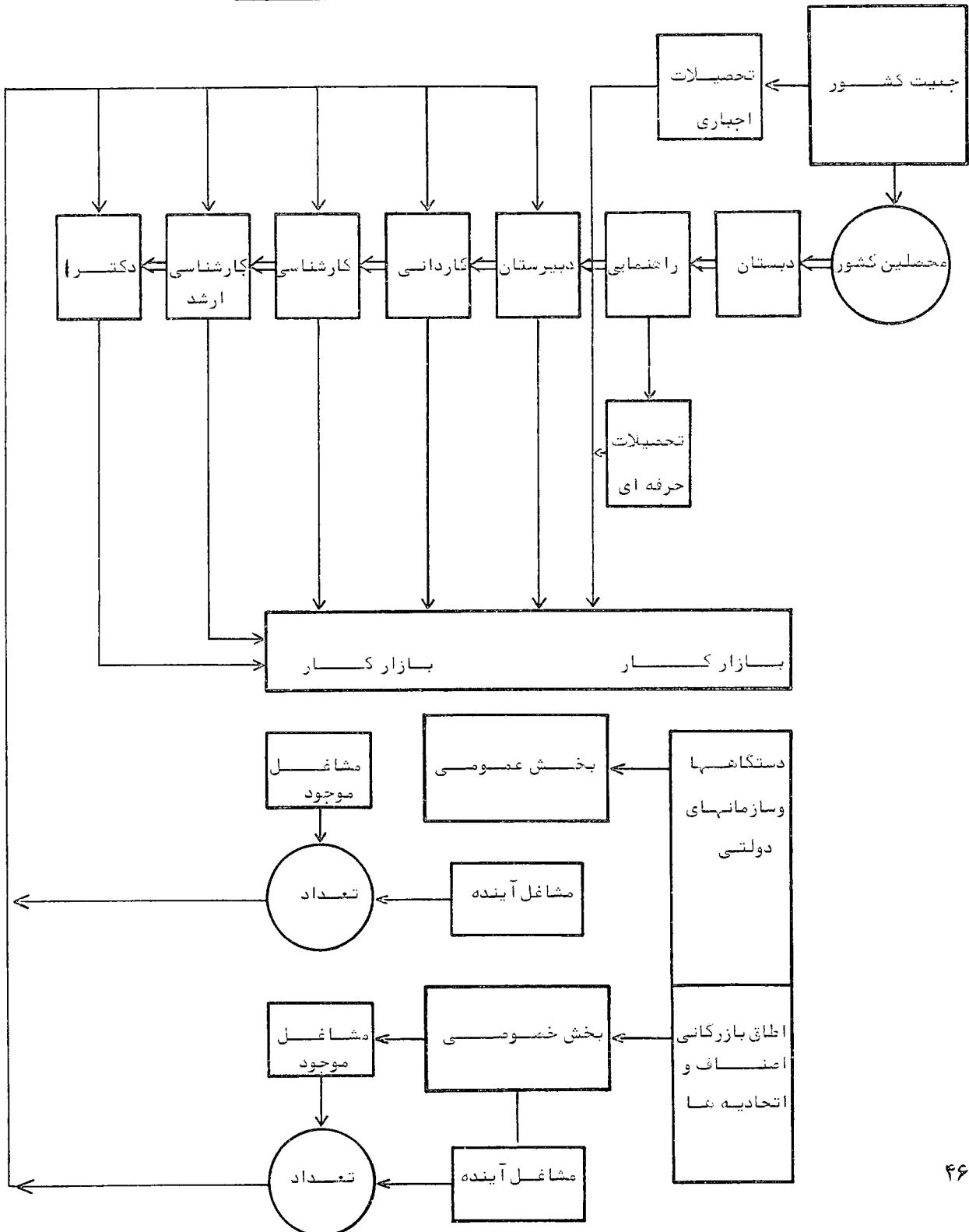
با توجه به نتیجه گیری از مدل های مطرح شده قبلی در زمینه اشتغال و تقسیم بندی علوم و با توجه به سیاستهای علمی و آموزشی در رابطه با اشتغال - که شرح آنها گذشت - مکانیزم عمل به ترتیب مدل زیر پیشنهاد می شود:

ث - مکانیزم متناسب کردن برنامه های دانشگاهی با برنامه های اشتغال

بر اساس مدل تنظیمی مکانیزم عمل به این ترتیب است که ابتدا دستگاههای دولتی و وزارتخانه های اصلی در برنامه ریزی اشتغال با همکاری سایر وزارتخانه ها و سازمانها و اصناف، مشاغل موجود و مشاغلی که در آینده بر ابر طرحهای بازسازی و توسعه ایجاد خواهد شد، تعداد و مشخصات آنها را بر اساس ضوابط علمی محاسبه کنند و نتیجه بر آورد خود را از طریق وزارت فرهنگ و آموزش عالی و وزارت آموزش و پرورش به دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و مدارس فنی و حرفه ای و دبیرستانهایی که مسئول تهیه و تجهیز نیروی انسانی کشور می باشند، اعلام دارند و به این ترتیب که بر ابر مدل تنظیمی وزارت آموزش عالی و آموزش و پرورش پس از دریافت مشخصات با همکاری سازمان برنامه و

مدل برنامه‌ریزی‌های اشتغال در رابطه با دوره‌های آموزش

مدل برنامه‌ریزی‌های اشتغال در رابطه با دوره‌های آموزش



بودجه و سازمان امور اداری و استخدامی کشور نیازمندیهای اشتغال را در سالهای بعد بر اساس ضوابط علمی بین دانشگاهها و مدارس عالی و حرفه‌ای کشور توزیع کنند و با نظارت مستمر خود مراقب باشند که برنامه‌های کلیه رشته‌ها و دوره‌های دبیرستانی و دانشگاهی و حرفه‌ای بر اساس ضابطه‌ها و سهمیه‌های تعیین شده بموقع اجرا گذارده شود.

بر اساس مدل تنظیمی و سیاست آموزشی و علمی کشور در رابطه با اشتغال که در این مقاله پیشنهاد شده و با الهام گرفتن از قانون اساسی و طرحهای آموزش و پرورش که آموزش را تا یک سطحی برای کلیه افراد ایسن کشور ضروری دانسته است، تحصیلات عمومی به مدت ۹ سال باید اجباری تلقی شود.

با این برداشت گروهی از دانش‌آموزان به هر نحو آمادگی ادامه تحصیل را ندارند پس از پایان دوره راهنمایی جهت ورود به بازار کار اجباراً باید مدارس فنی و حرفه‌ای را طی و آمادگی لازم جهت اشتغال پیدا کنند. بدیهی است باید تعداد و مشخصات این نوع مشاغل قبلاً به وسیله مسئولان مربوط (اصناف، اتحادیه‌ها، وزارت کار و سایر مسئولان) تعیین و به وزارت آموزش و پرورش جهت تشکیل دوره‌ها و کلاسها اعلام گردد.

به این ترتیب گذرانیدن دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای که به منظور اشتغال و ورود به بازار کار بعد از دوره پایه و اساس اجباری پیشنهاد شده است، این حسن را دارد که ضمن کسب صلاحیت لازم جهت اشتغال ضمناً یک مکانیزم خودکاری جهت تضمین اجرای قانون اساسی در رابطه با تحصیلات اجباری نیز خواهد بود و به این طریق در پهنه سرزمین ایران هیچ فردی بدون گذرانیدن مدارس فنی و حرفه‌ای اجازه ورود به بازار کار را حاصل نخواهد کرد.

به طوری که در مدل آمده است بعد از اتمام دوره تحصیلات اجباری بخش دیگری از دانش‌آموزان برای ادامه تحصیل وارد دبیرستان خواهند شد و در خاتمه دبیرستان گروهی از آنان جذب برای کار خواهند گردید و قسمتی نیز جهت ادامه تحصیل به دوره‌های بعد راه پیدا خواهند کرد و این مکانیزم تا انتهای عالی‌ترین درجات تحصیلات دانشگاهی ادامه پیدا خواهد کرد.

بدین جهت برقراری یک ارتباط مستمر بین وزارتخانه‌های اصلی که برابر جدول تقسیم‌بندی علوم مسئول برنامه‌ریزی معرفی شده‌اند با سایر سازمانها و نهادها و بازار کار و اطاق بازرگانی و اصناف یک امر بسیار مهم و همیشگی تلقی می‌گردد و هیچگاه نباید سه‌رکود و تعطیل کشانده شود.

اما به منظور اینکه مکانیزم عمل دقیق‌تر روشن شود و جای هیچگونه ابهامی باقی

نماند، گردش کار و نحوه عملیات در یکی از وزارتخانه‌های اصلی به عنوان نمونه، وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی از ابتدا تا انتها دنبال خواهد شد. وزارت مزبور که وظیفه ارائه خدمات پزشکی و درمانی را در سطح کشور بر عهده دارد، ابتدا باید یک سلسله ضوابط علمی جهت محاسبه و برنامه‌ریزی در جهت رفع نیازهای پزشکی کشور تدوین کند.

مثلاً اگر ضابطه برای هر یک هزار نفر از جمعیت ایران در حال حاضر یک تختخواب و برای سالهای بعد ششصد نفر یک تختخواب باشد، وزارت بهداشت با توجه به جمعیت فعلی و جمعیت سالهای بعد (۱۵ سال بعد) تعداد تختخوابها و کلینیک‌های مورد نیاز کشور را برآورد خواهد کرد و بر اساس آن و جداول موجود سازمان بهداشت جهانی و یونسکو و نظایر آن تعداد پزشکان را در تخصصهای مختلف و تعداد پرستاران سرپرستان و تکنسینها و کادر اداری را مشخص خواهند ساخت و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی را بر همان اساس پی‌ریزی خواهند کرد. بدیهی است که علاوه بر ارقام و آمار بدست آمده سایر نیازمندیهای پزشکی کشور مانند استادان دانشکده‌های پزشکی، یا پزشکانی که در دستگاههای دولتی و یا سیستمهای بیمه و نظایر آن خدمت می‌کنند، محاسبه می‌شود. و بالاخره حاصل این بررسیها و مطالعات است که مبنای تأسیس دانشکده‌های پزشکی جدید و رشته‌ها و دوره‌های پزشکی در دانشکده‌های موجود و تخصصهای پزشکی قرار می‌گیرد. چنانچه باین ترتیب و با توجه به سیاستهای اشتغال که قبلاً به آن اشاره شد، برنامه‌ریزی اشتغال در تمام تقسیم‌بندیهای علوم انجام پذیرد، می‌توان ادعا کرد که تناسب لازم بین مشاغل جامعه و دوره‌های دبیرستانی و دانشگاهی حاصل خواهد شد.

شک نیست که اجرای این کار با نبودن بانکهای اطلاعاتی در دستگاههای مختلف بویژه بخش خصوصی و عدم کارشناسان خبره و باتجربه اجرای طرح را در سالهای اول با اشکالاتی مواجه خواهد کرد ولی به هر صورت هر وقت که لازم شود که یک چنین تناسب و پیوندی بین اشتغال و دوره‌های دبیرستانی و دانشگاهی ایجاد گردد، اجباراً باید از این مجرا گذشت و راهی جز این یا راههای مشابه نیست و الزاماً باید سالهای سخت را که دیگران پشت سر گذارده‌اند، طی نمود. مضافاً اینکه باید جهت ایجاد بانک اطلاعاتی و کمپیوتری به صورت یک شبکه گسترده و فراگیر و بهم پیوسته که بتواند منظور را عملی سازد، حداقل در وزارتخانه‌های اصلی اقدام شود.

مرکز آموزش مدیریت دولتی نیز آمادگی کامل دارد تا با ایجاد کلاسها و ارائه خدمات مشاوره‌ای، دستگاهها و دانشگاهها را در صورتی که احتیاج باشد ودرخواست کنند، یاری دهد.

عناوین اصلی رشته‌های علمی و زیر مجموعه آنها

هنر و ادبیات	علوم پایه	علوم پزشکی	علوم کشاورزی	علوم اجتماعی و انسانی	علوم فنی و مهندسی
موسیقی	ریاضیات و هیت	علوم پایه	کشاورزی	جامعه‌شناسی	تکنولوژی شیمی
تأثر				روانشناسی	
سینما	حساب	آناتومی	زراعت	اجتماعی	مواد انفجاری و سوختن
نقاشی	تئوری اعداد	بافت‌شناسی	باغبانی	قوم‌شناسی	مواد خوردنی و آشامیدنی
ادبیات	جبر و آنالیز	رویان‌شناسی	دامپروری	مورفولوژی	روغن
موزه‌داری	مثلثات	ویورولوژی	فراورده‌های گیاهی	رفاه اجتماعی	موم - صمغ
کتابداری	هندسه	میکروب‌شناسی	وحیوانی	سازمان و مدیریت	شیشه
محاری	حساب احتمالات	ایمن‌شناسی	خاکشناسی	اقتصاد	لعاب و سرامیک
					گیج و سنگ
زبان‌شناسی	توبولوژی	سرم‌شناسی	شیمی کشاورزی	بازرگانی و بازاریابی	بتون
ورزش	هیئت نظری	بیولوژی	گیاه پزشکی	بانکداری	زنگ - صابون
آموزش هنری	فیزیک	بیوفیزیک	ترویج و آموزش	علوم قضایی	چسب
		شیمی باتولوژی	دامپزشکی	روانشناسی	لاستیک
	فیزیک	رشته‌های خاص		باستان‌شناسی	بالایش مواد
	مکانیک عمومی		آناتومی	تاریخ	تولید محصولات شیمیایی
	مکانیک اجسام	روانی	آسیب شناسی	جغرافیا	ذوب فلزات و شبه فلزات
	جامد	پوست و آمیزش	ژنتیک	آمار	تهیه آلیاژهای متالوژی
	سیالات	زنان	انگل شناسی	علوم تربیتی	علوم مهندسی
	گازها	جهازهاضمه	قارچ شناسی	علوم سیاسی	
	امواج	دستگاه تنفس	کالبدشناسی	روابط بین‌المللی	ماشین سازی
	صوت - نور - گرما	چشم و گوش و حلق	بافت و رویان شناسی	دیپلماسی	برق
	الکترونیک	قلب	بیماریهای دام و طیور	ایدئولوژی	معادن
	الکترونیک	کودکان	فیزیولوژی تغذیه	الهیات	تکنولوژی
	فیزیک هسته‌ای،	تکنولوژی	چنگلداری و حفظ	فلسفه	تسلیحات
	اتمی و مولکولی		منابع طبیعی	ادبیات	ساختمان و راه
	شیمی کانی	فیزیک		زبانهای خارجی	راه آهن
	زمین شناسی و ژئوفیزیک	رادیولوژی	درخت شناسی		معماری
		رادیوترابی	چوب شناسی		شهرسازی و ترافیک
		فارماکولوژی	تیبولوژی		نساجی و غیره
		دندانپزشکی	خاکهای جنگلی		نقشه برداری
	هواناسی و علوم وابسته		مهندسی جنگل		
		علوم دارویی	چراغانی و مرتع		
	علوم زیستی		صنایع چوب		
		آموزش پزشکی			

منابع و مأخذ

- ۱ - قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از انتشارات کمیل
- ۲ - نگاهی به مشکلات و نارساییهای نظام اداری از انتشارات مرکز مطالعات و پژوهشهای اداری اسفند ۱۳۶۳
- ۳ - سیاستهای توسعه و تکامل جمهوری اسلامی ایران از انتشارات نخست‌وزیری اردیبهشت ۱۳۵۹
- ۴ - گزارش بررسی شوراها در سازمان دولت جمهوری اسلامی ایران از انتشارات مرکز مطالعات و پژوهش‌های اداری فروردین ۱۳۶۴
- ۵ -
- ۶ - تشکیلات و وظایف کمیسیون خدمات کشوری آمریکا از انتشارات سازمان امور استخدامی کشور شهریور ۱۳۶۴
- ۷ - آشنایی با فعالیتهای تحقیقاتی و تکنولوژی در ژاپن نوشته محمدعلی شریفی ۱۳۶۴
- ۸ - گزارش از اصلاحات عمده اداری از انتشارات سازمان امور اداری و استخدامی کشور خرداد ۱۳۶۴
- ۹ - سیستم و سیاستگذاری تحقیقات علمی در بریتانیا از انتشارات نخست‌وزیری خرداد ۱۳۶۳
- ۱۰ - بررسی تطبیقی سیاست علمی و نظام تحقیقاتی در چند کشور جهان از انتشارات مرکز سیاست علمی شهریور ۱۳۶۰
- ۱۱ - مدل توسعه اقتصادی ایران نوشته دکتر محمد آهنچی شهریور ۱۳۶۵
- ۱۲ - مباحثی درباره سیاست علمی و ساختار برنامه‌ریزی آن مرکز سیاستهای علمی.
- ۱۳ - گزارش وضع تحقیقات در بخش عمومی، واحد شناخت و سنجش تحقیقات.
- ۱۴ - مجموع طرحها و مصوبات گروه فنی و مهندسی ستاد انقلاب فرهنگی.
- ۱۵ - کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران.